



بررسی اثر عامل آشنایی همسایگان بر فرایند انتخاب همسر در جوانان

محمود بحرانی^۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مطالعه چگونگی ارتباطات همسایگی در بین شهروندان شیراز به عنوان یک کلان شهر و چهار شهر دیگر استان فارس و مقایسه اثر این روابط بر فرایند انتخاب همسر جوانان صورت گرفته است. فرض کلی تحقیق بر این بوده است که با توسعه شهرها و ناشناخته ماندن دختران در کلان شهرها، شانس ازدواج دختران کمتر خواهد شد. نمونه مورد مطالعه شامل ۱۱۰۰ خانوار بوده است که به صورت تصادفی طبقه‌بندی شده و به شیوه نمونه‌گیری نظام‌مند به عمل آمد (۷۰۰ خانوار از مرکز استان و ۱۰۰ خانوار از هر شهرستان‌های). اطلاعات مورد نظر در قالب یک پرسشنامه و به شکل مصاحبه ساختار یافته جمع‌آوری شدند. نتایج با کمک شیوه‌های آمار توصیفی و نیز آزمون t ، تحلیل واریانس و محاسبه همبستگی مورد تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها نشان داد که ارتباطات همسایگی در کلان شهر شیراز با شهرهای دیگر استان بطور کلی تفاوت معناداری دارد. میزان همسرگزینی از بین همسایگان نیز در شهر شیراز نسبت به شهرهای دیگر کمترین میزان بوده است. گرایش به انتخاب همسر از بین اقوام نزدیک در طی دو نسل متوالی افزایش یافته است. این یافته‌ها در جهت تأیید فرض تحقیق تفسیر می‌شوند. همچنین مقایسه آمارهای اخیر میزان دختران هرگز ازدواج نکرده در سنین مختلف نیز در راستای فرضیه تحقیق بوده است. میزان آشنایی با درصد زنان ازدواج نکرده در همه سنین دارای رابطه منفی است.

کلید واژه‌ها: ازدواج، همسایگی، همسریابی

مقدمه

یافتن همسری مناسب برای زندگی زناشویی، از جمله مشکلات جوانان در زمان تصمیم به انتخاب شریک زندگی و اقدام به ازدواج است. یکی از منابع در دسترس برای یافتن همسر جستجو در بین همسایگان است، اما با توسعه شهرها همسایه‌ها با هم بیگانه شده و اغلب شناخت ناچیزی از یکدیگر دارند. گسترش شهرنشینی و بیگانگی شهروندان و همسایگان، از پی‌آمدهای جوامع مدرن است که روابط اجتماعی افراد جامعه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. بحث همسایگی از موضوع‌هایی که در جامعه‌شناسی شهری در رابطه با عرصه عمومی^۲ مد نظر قرار گرفته است که در حیات شهری نقش اساسی دارد. روابط و تعاملات شهروندان در بطن این عرصه در حوزه جامعه‌شناسی شهری مورد مطالعه قرار می‌گیرد. همسایگی از مهمترین واحدهای اجتماعی است که سازنده و قوام‌بخش عرصه عمومی در شهرها می‌باشد. عرصه عمومی محلی است که مجال رو در رو شدن و مواجهه را فراهم نموده و پیوندهای اجتماعی را تقویت می‌کند. همسایگی در قبال اجتماع محلی است و در برابر از هم‌پاشیدگی ناشی از خصوصی شدن مقاومت می‌کند (تالن، ۱۹۹۹، به نقل از یوسفی، نوغانی و حجازی، ۱۳۸۸). با رشد روزافزون شهرنشینی و تشکیل کلان شهرها، جامعه شهری بیش از هر زمانی با مشکل از هم‌پاشیدگی محله یا همسایگی مواجه گردیده است (یوسفی و همکاران، ۱۳۸۸).

^۱. استادیار پژوهشکده علوم اجتماعی دانشگاه شیراز؛ mbahrani@shirazu.ac.ir، تلفن فاکس: ۰۷۱۱-۶۴۷۳۳۹۳

^۲ - public sphere



طبق نظر برخی محققان پیوندهای همسایگی نیازمند محیط‌های ارزشی است که در آن ارزش‌های اجتماع‌گرایانه بر ارزش‌های فردگرایانه غلبه داشته باشد. با پیشرفت جوامع به سوی صنعتی شدن ارزش‌های اجتماع‌گرایانه تضعیف می‌شود. در جوامع مدرن پیوندهای همسایگی برخی از کارکردهای خود را از دست داده است. در واقع، حمایت‌های اجتماعی همسایگان از یکدیگر در گذشته، یا فعالیت‌های مشترکی که همسایگان در بهبود زندگی یکدیگر می‌کردند، امروزه به دست نهادهای اجتماعی مانند بانک، مدرسه، دانشگاه، مؤسسات عمومی و خدماتی انجام می‌شود. حتی آشنایی همسایگان در زمینه ایجاد امنیت مؤثر شناخته می‌شود چنان که گفته می‌شود، در گذشته افراد در محله‌ها یکدیگر را می‌شناختند و پیوندهای قومی، زبانی، مذهبی و فرهنگی، آنان را به هم پیوند می‌داد و ضریب اعتماد اجتماعی و در نتیجه احساس امنیت در بین همسایه‌ها و هم‌محله‌ای‌ها بالا بود (صدیق‌سروستانی و نیمروزی، ۱۳۸۸).

بر خلاف جوامع کوچک و روستایی که روابط بین افراد بر اساس آشنایی قابل توجهی که اعضای جامعه نسبت به هم دارند در شکل گسترده‌ای جریان دارد، در جوامع بزرگ روابط اجتماعی عموماً در شکل رسمی و محدود صورت می‌گیرد و تماس‌ها و تعاملات افراد در یک مجموعه کوچک‌تر شامل نزدیکان، بستگان و گاهی همکاران می‌شود. تأثیر همسایگی حتی در مشارکت سیاسی هم گوشزد شده است، چنانکه کاپوانی‌راد و ویسی (۱۳۸۷) این موضوع را در نهمین انتخابات ریاست جمهوری مؤثر یافته و رأی‌گیری در ایران را دارای سرشت محلی‌گری و قومی دانسته‌اند.

تأثیر عامل بیگانگی و ناشناخته ماندن همسایگان برای یکدیگر در زمینه‌های اجتماعی و امنیتی مورد بررسی قرار گرفته است اما یکی از زمینه‌هایی که کمتر به آن توجه شده همسایگی و شناسایی افراد مورد نظر برای ازدواج جوانان است. ناشناخته بودن افراد برای یکدیگر امر ازدواج را هم در مورد دختران و هم در مورد پسران با مشکل مواجه می‌سازد. بدیهی است عدم شناخت کافی افراد جامعه موجب می‌شود تا انتخاب افراد مناسب برای همسری دشوار گردد و حتی برخی ازدواج‌ها را به شکست بکشاند، چراکه افراد پس از ازدواج متوجه می‌شوند در انتخاب خود اشتباه کرده‌اند و گزینه انتخابی، با آنچه ایده‌آل‌شان بوده تفاوت زیادی دارد. بنابراین یا از سر ناچاری به سازش تن در می‌دهند و علیرغم میل قلبی خود، زندگی مشترک و سردی را بدون انگیزه‌ی کافی ادامه می‌دهند؛ یا چاره را در جدایی می‌بینند. پدیده بیگانگی شهروندان با گسترش زندگی صنعتی و شهرنشینی رو به افزایش است و بویژه پیامدهای منفی آن بر ازدواج درخور تأمل است.

از آنجا که گرایش‌های اخیر جوانان به سمت برون‌همسری و بسط دایره ازدواج به محدوده خارج از خویشاوندان است (آزادارمکی، ۱۳۶۹؛ اسماعیلی، قاسمی و فخاری، ۱۳۸۸)، بنابراین پیچیدگی جوامع و ناآشنایی یک مانع در راه ازدواج جوانان فرض می‌شود. با قبول این فرض، مجرد ماندن زنان در شهرهای بزرگ باید بیشتر نمایان باشد و به نسبت شهرهای کوچک میزان افراد ازدواج نکرده در این گروه بیشتر باشد. تحقیق حاضر بدنبال آزمایش این فرض است. هدف کلی این طرح پژوهشی بررسی رابطه فرصت‌های ازدواج با میزان شناخت همسایگان از یکدیگر است. هدف کلی این طرح پژوهشی بررسی رابطه فرصت‌های ازدواج با میزان شناخت همسایگان از یکدیگر است. بر این اساس سوال‌های اصلی تحقیق به شرح زیر است:

- ۱- میزان آشنایی همسایگان از یکدیگر چگونه است؟
- ۲- میزان آشنایی با همسایگان (با کنترل مدت زمان سکونت در محل) در شهرهای کوچک در مقایسه با کلان شهر شیراز چگونه است؟
- ۳- انتخاب همسر از بین همسایگان در شهرهای کوچک در مقایسه با کلان شهر شیراز به چه میزان است؟
- ۴- گرایش به انتخاب همسر از بین همسایگان در دو نسل متوالی (والدین و فرزندان) چگونه بوده است؟
- ۵- در ملاک‌های انتخاب همسر با گذشت زمان چه تغییری حاصل شده است؟
- ۶- آیا میزان آشنایی همسایگان بر آمار افراد ۴۰ ساله و بالاتر از ازدواج کرده و ازدواج نکرده در شهرهای مختلف تأثیر دارد؟



پیشینه و مبانی نظری تحقیق

با تحولات اجتماعی در ایران نقش سنت و مدرنیته در همسرگزینی تغییر زیادی کرده چنان که طبق بعضی تحقیقات از دهه ۱۳۴۰ تا دهه ۱۳۷۰ میزان انتخاب توسط شخص از ۱۷/۵ درصد به ۶۸/۲ درصد افزایش یافته است و در مقابل از نقش خانواده‌ها و خویشاوندان کاسته شده است (آزادارمکی، ۱۳۸۶). ازدواج‌های احتمالی از سوی خانواده‌ها ممکن است نتایج زیان باری را در پی داشته باشد که شکست ازدواج و انحرافات اجتماعی از آن جمله است (علیایی‌زند، ۱۳۸۱). اردلان، سیدان، و ذوالفقاری (۱۳۸۵) در مطالعه علل فرار گروهی از زنان ازدواج کرده از منزل شوهران خود به عوامل گوناگون اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی اشاره کرده‌اند. آنان از جمله این عوامل را حق انتخاب زنان در گزینش همسر تشخیص دادند که تنها کمتر از ۱۰٪ زنان فراری با علاقه خود و رضایت خانواده ازدواج کرده بودند.

بوردیو برای انسان‌ها سه نوع سرمایه در نظر می‌گیرد که عبارتند از: سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی. از این سه نوع، آنچه در این تحقیق مورد بحث است سرمایه اجتماعی است که به روابط همسایگی و تأثیر آن بر نرخ ازدواج اشاره دارد. بوردیو سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از تماس‌ها، روابط، دوستی‌ها و دین‌ها تعریف می‌کند که به پیوندهایی که او را به افراد دیگر وصل می‌کنند وزن اجتماعی می‌بخشد و این وزن می‌تواند بر حسب عامل و کیفیت شبکه‌های ارتباطی کم و بیش سنگین، و دارای قدرت کنش و واکنشی کم و بیش زیاد باشد (شویره، و فونتین، ۱۳۸۵، به نقل از منادی، ۱۳۸۶).

نوغانی، صدیق اورعی و سالار (۱۳۹۲) با استناد به مدل اقتصادی موون و مینور (۱۳۸۶) فرایند ازدواج را شبیه به فرایند تصمیم‌گیری در حوزه اقتصادی توصیف کرده‌اند که در آن پنج مرحله شامل تشخیص مسأله، جستجو، ارزیابی بدیل‌ها، انتخاب و ارزیابی پس از اکتساب طی می‌شود. طبق نظر موون و مینور تشخیص مسأله زمانی رخ می‌دهد که بین وضع موجود و وضع مطلوب ناهمخوانی پیش می‌آید و مصرف‌کننده به فکر چاره‌جویی می‌افتد. سپس جستجو برای کالاهایی که می‌توانند مشکل را رفع کنند آغاز می‌شود، آنگاه به مقایسه گزینه‌های موجود برای تصمیم‌گیری می‌پردازد و در مرحله انتخاب مصرف‌کننده دست به گزینش می‌زند. مرحله ارزیابی پس از اکتساب است که فرد در واقع اقدام به ارزیابی پیامدهای انتخاب خود می‌کند. نوغانی و همکاران (۱۳۹۲) با الهام از نظریه موون و مینور در این زمینه و جرح و تعدیل آن، به سه مرحله در انتخاب همسر اشاره دارند: ۱. جستجوی همسر احتمالی، ۲. جستجوی اطلاعات در مورد همسر احتمالی و ۳. تصمیم‌گیری و مشورت در مورد آن. آنان با تأکید بر نقش شبکه‌های اجتماعی در انتخاب همسر نیاز به همسر را به عنوان مسأله در نظر گرفتند و همسرگزینی را با میانجی‌گری شبکه‌های اجتماعی منظور نموده و از مطالعه خود دریافتند هر چه تنوع اجتماعی شبکه همسرگزینی که عموماً متشکل از خویشاوندانی است که در امر همسرگزینی دخالت دارند، بیشتر و دامنه آن گسترده‌تر باشد حمایت اجتماعی از ازدواج بیشتر و رضایت از زندگی زناشویی بیشتر است.

همسایگی در ایجاد و حفظ سرمایه اجتماعی سهم بسزایی دارد. همچنان که تضعیف شبکه‌های همسایگی در کلان‌شهرها موجب نگرانی‌هایی در بعد اجتماعی شده است، تضعیف پیوندهای اجتماعی بخصوص در عرصه عمومی و حیات شهری توجه محققان را به خود جلب نموده است (یوسفی و همکاران، ۱۳۸۸). از جمله عوامل انسجام بخش روابط همسایگی، متغیرهایی چون استفاده از فناوری اطلاعات (ولمن و باری، ۲۰۰۱)، در دسترس بودن منابع و ظرفیت‌های بیشتر (کتل، ۲۰۰۱)، تأهل، تحصیلات بالا، جنسیت- زنان به همسایگی بیشتر اهمیت می‌دهند، سن- افراد مسن فرصت بیشتری برای این کار دارند (کمپبل و لی، ۱۹۹۲)، مدت اقامت و ثبات در سکونت (روهی و استوارت، ۱۹۹۶، فورست، گرانگ و ناگی، ۲۰۰۲) هستند. درمقابل عواملی چون عدم تجانس فرهنگی و زبانی (فورست، گرانگ و ناگی، ۲۰۰۲)، ساختار شبکه و حجم روابط خارج از همسایگی (لیبرگ، ۱۹۹۶)، شلوغی و سر و صدا، وضعیت نامناسب اقتصادی ساکنان (تومس، وان‌تیلبرگ، ۲۰۰۰)، به عنوان عوامل بر هم زننده انسجام همسایگی شناخته شده‌اند (به نقل از یوسفی و همکاران، ۱۳۸۸).

تحقیقات صورت گرفته در ایران پیرامون موضوع ازدواج جوانان به زوایای مختلفی از این موضوع پرداخته‌اند، برخی محققان رابطه گزینش همسر با تجددگرایی را مورد مطالعه قرار داده‌اند. بطور نمونه ساروخانی و مقربیان (۱۳۹۰) با بررسی این موضوع، بین همسریابی و



گزینش همسر فرق قائل شده و در یافتن همسر با تأکید بر نقش پررنگ‌تر جوانان برای انتخاب همسر خود، آن را ناشی از اثر تجددگرایی دانسته‌اند، ولی در بخش گزینش همسر بطور سنتی خانواده‌ها را فعال‌تر دانسته‌اند.

ترجیحات انتخاب همسر در نسل‌های جدید به نحو فزاینده‌ای در جهت هم‌رنگ شدن و فاصله گرفتن از ارزش‌های سنتی و قومی است بطوری که تفاوت‌های قومی در حال کم‌رنگ شدن است (رجبی، ابراهیمی، خجسته‌مهر، ۱۳۹۰). اینها همگی بر نرخ ازدواج‌ها اثر می‌گذارند. نگاه‌های ازدواج و ارتباطات اینترنتی اگر چه در جوامع صنعتی دنیا به موضوع انتخاب همسر کمک کرده است اما در ایران به دلیل تفاوت‌های فرهنگی هنوز جایگزین مناسبی برای شناخت افراد به نظر نمی‌رسند چون راه‌های قابل اعتمادی به حساب نمی‌آیند. شاید به همین دلیل باشد که پژوهش‌های دیگر نقاط دنیا به موضوع همسایگی در انتخاب همسر ازدواج نپرداخته‌اند.

رویکردهای تحقیقاتی پیرامون ازدواج جوانان در ایران متفاوت است. برخی بررسی علل و عوامل مرتبط با این موضوع از جنبه‌های جمعیتی پرداخته‌اند. جعفری مزدهی (۱۳۸۲) تغییر ساختار سنی و جنسیتی جمعیت را در دهه ۱۳۶۵-۱۳۵۵ یکی از دلایل مهم اختلال در ازدواج برای سال‌های بعد دانسته و به پیش‌بینی اثرات آن در سال‌های ۸۹-۱۳۷۹ پرداخته است. طبق این تحلیل پدیده‌هایی مانند مهاجرت مردان جوان روستایی به شهرها برای کار یا ازدواج مردان با زنان جوان تر و ترجیح جنسیتی فرزند (مانند چین) موجب عدم تعادل وضعیت ازدواج می‌شود و این تحول جمعیتی در سال‌های ۸۹-۱۳۷۹ اثر خود را بر افزایش زنان هرگز ازدواج نکرده خواهد گذاشت.

طبق سرشماری سال ۱۳۷۵ کل کشور، متوسط سن ازدواج مردان ۲۵/۶ و متوسط سن ازدواج زنان ۲۲/۴ سال بوده است (امانی، ۱۳۸۰). دیدگاه‌های عمومی افراد جامعه در باره سن مناسب برای ازدواج جوانان نیز در همین راستا است، چنانکه عسکری ندوشن، عباسی شوازی و صادقی (۱۳۸۸) با مقایسه دیدگاه‌های نسل مادران و دختران پیرامون جنبه‌های مختلف ازدواج، دریافتند که هر دو نسل در مورد سن مناسب برای ازدواج پسران توافق نظر دارند بطوری که مادران آن را ۲۶/۱ سالگی و دختران آن را ۲۶/۵ سالگی می‌دانند و تفاوت معناداری بین آنها نبود. در مورد سن مناسب ازدواج برای دختران باز هم نظرات نزدیک به هم بوده است بطوری که مادران آن را ۲۲/۱ سالگی و دختران آن را ۲۳/۲ سالگی می‌دانند که البته این تفاوت معنادار است. یافته‌های تحقیق عسکری ندوشن و همکاران (۱۳۸۸) در مورد سن مناسب برای فرزندآوری و میزان فاصله بین فرزندان نیز توافق نسبی بین دو نسل را نشان داد، اما نسل مادران همواره سن کمتری را پیشنهاد کرده‌اند. همچنین دختران در مورد نحوه انتخاب همسر و چگونگی آشنایی نیز دیدگاه‌های بازتر و آزادانه‌تری ابراز کرده‌اند.

امانی (۱۳۸۰) با استناد به خرده نظام بخش اقتصادی نظریه پارسونز، عامل شغل را در افزایش سن ازدواج در جوامع مدرن مؤثر دانسته است. نتایج تحقیق صادقی، قدسی و افشار کهن (۱۳۸۶) نیز در همین راستا بوده و گویای آن است که جوانان داشتن شغل و برخورداری مالی را اصلی‌ترین پیش‌شرط ازدواج می‌دانند. آنان همچنین پیدا نکردن فرد مناسب و نداشتن حق انتخاب برای دختران که از آن به عنوان نابرابری جنسی در فرایند ازدواج یاد شده است را از موانع ازدواج برشمرده‌اند.

نتایج تحقیقات زیادی حاکی از آن است که تفاوت جنسی در ترجیحات انتخاب همسر وجود دارد. در این رابطه جوانی و جذابیت برای مردان بیش از زنان مهم است و توان مالی و بلند پروازی، بیشتر مورد توجه زنان قرار می‌گیرد تا مردان. (اسپرچر، سالیوان و هاتفیلد، ۱۹۹۴؛ وایدمن و آلجیر، ۱۹۹۲). قاسمی تودشکچویی، معتمدی، اسدالهی و مالک (۱۳۸۴) ملاک‌های انتخاب همسر داوطلبان ازدواج را در بدو ازدواج و و یک سال بعد از ازدواج مورد مقایسه قرار دادند. آنان دریافتند که با وجود تفاوت دیدگاه‌های دختران و پسران در قبل از ازدواج اما با گذشت زمان دیدگاه‌های دختران و پسران در باره معیارهای ازدواج به هم نزدیک شده است. چنانکه قبل از ازدواج، پسران بیشتر به ویژگی‌های ظاهری مانند زیبایی، تناسب اندام، رنگ پوست، سن و نیز امکانات رفاهی و مهریه دختران توجه داشتند اما دختران بیشتر بر ویژگی‌هایی مانند عشق، رفتار، ارتباطات اجتماعی، تشابه فرهنگی تحصیلات و درآمد پسر توجه داشتند. پس از یک سال ازدواج در بیشتر موارد دیدگاه‌های مشترکی پیدا کرده بودند. البته نکته قابل تأمل در مورد یافته‌های تحقیق قاسمی تودشکچویی و همکاران، این است که نمونه مورد مطالعه آنان از افراد داوطلب شرکت کننده در کلاس‌های آموزش ازدواج بودند و درصد قابل توجهی از آنان نیز در مرحله دوم مشارکت نداشتند و افت ۵۰ درصدی را همراه داشته است.



موحد و عباسی شوازی (۱۳۸۵) نگرش نمونه‌ای از دختران دانشجو پیرامون رابطه بین دختر و پسر به روابط پیش از ازدواج را بررسی کردند. یافته‌های تحقیق آنان نشان داد که دختران بیشتر متمایل به ارزش‌های سنتی و دینی بوده و نگرش آنان نسبت به روابط پیش از ازدواج از دیدگاه اغلب آنان منفی بود تا مثبت. البته درصد نگرش‌های میانه بیش از دو مقوله دیگر بود. همچنین برخی پژوهش‌ها گویای آن است که در ترجیحات انتخاب همسر، مردان بیشتر به جذابیت فیزیکی زنان توجه دارند و زنان به ظرفیت‌های مالی مردان توجه می‌کنند. همچنین تفاوت‌های فرهنگی در ترجیحات وجود دارد. باس و انگلیتتر (۱۹۸۹) دریافتند مردان آلمانی به سلیقه‌های خانه‌داری زنان و مردان آمریکایی به جذابیت ظاهری آنان بیشتر توجه می‌کنند.

از سوی دیگر برخی تحقیقات (مثل، بیلوت و فرانسسکونی، ۲۰۰۶) نشان می‌دهد که فرصت‌های ازدواج بر ترجیحات مورد نظر افراد برای انتخاب همسر پیشی می‌گیرند. افراد همواره ترجیحاتی مانند سن و جذابیت فیزیکی (اندازه قد، وزن و ...) را در انتخاب همسر مد نظر قرار می‌دهد ولی فرصت‌های ازدواج بر این ترجیحات سبقت می‌گیرند.

در بسیاری از جوامع مانند آمریکا میلیون‌ها نفر افراد بزرگسال مجرد بوده و در پی یافتن شریکی برای زندگی و ازدواج هستند اما حتی از همسایگان خود هم شناختی ندارند. هر چه فشردگی جمعیت بیشتر می‌شود شناخت افراد از همسایگان و دیگر افراد جامعه کمتر می‌شود. به دلیل گسترش ارتباطات مجازی تماس‌ها و تعاملات اجتماعی رو در رو کاهش یافته (نای و هیلینگوس، ۲۰۰۲) و حتی گوشه‌گیری و افسردگی را دامن زده است (کوت، ۱۹۹۷). بعضی بررسی‌ها نشان می‌دهد که یافتن شریک زندگی از طریق اینترنت در کشورهای صنعتی مانند آمریکا بر روش‌ها معمول پیشی گرفته است. نتایج تحقیق روزنقیل و توماس (۲۰۱۲) این موضوع را تأیید می‌کند هر چند یافته‌های آنان در چارچوب فرهنگی جامعه مرجع پیرامون تسهیل اینترنت برای هم‌جنس‌گرایان بود نه زوج‌های عادی.

موضوع همسریابی بخصوص از جنبه فرایندی، کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته است، از جمله در مورد نحوه پیدا کردن گزینه مناسب توسط جوانان اطلاعات منسجم و علمی وجود ندارد. فرض بر این است که ناشناخته ماندن افراد موجب از دست دادن فرصت‌های ازدواج می‌شود. این موضوع بخصوص بر دختران بیشتر اثر می‌گذارد، زیرا آنان در امر ازدواج نقش انفعالی دارند و بر طبق سنت رایج بایستی منتظر بمانند تا از سوی مردی خواستگاری شوند. ناشناخته ماندن آنان باعث می‌شود فرصت‌ها را از دست بدهند و شانس انتخاب شدن برای آنان کمتر شود. محدودیت دوره زمانی باروری که فرزندآوری زنان را به سنین زیر ۴۵ سالگی محدود می‌سازد نیز شانس از دست دادن فرصت ازدواج را در زنان افزایش می‌دهد. با پیچیده‌تر شدن جوامع شناخت افراد از یکدیگر کمتر شده و روش‌های انتخاب سنتی ازدواج کارکرد خود را از دست می‌دهند. بنابراین چنانچه راه‌های جدیدی در این زمینه وجود نداشته باشد، امکان اینکه جمع بیشتری از دختران جوان ناشناخته بمانند افزایش می‌یابد و میزان نسبی افراد ازدواج نکرده در طول عمر برای این گروه بالا می‌رود.

از آنجا که سن مطلوب ازدواج و فرزندآوری محدود به سنین خاصی است و همچنین با افزایش سن به تدریج طراوت و جذابیت زنان از دست می‌رود، دختران شرایط حادثتری داشته و از این ناشناخته ماندن، آسیب بیشتری نسبت به مردان می‌بینند. تحولات جمعیتی دهه‌های اخیر نیز به این معضل افزوده شده و تعادل ازدواج را به هم زده است (امانی، ۱۳۸۰؛ جعفری‌مژده‌ای، ۱۳۸۲).

چنانکه از بررسی مطالعات یاد شده مشاهده می‌شود، با وجود مطالعات متعدد پیرامون ازدواج جوانان در ایران، یکی از موارد که به آن پرداخته نشده است بحث همسریابی از بین همسایگان است. این موضوع با توجه به گسترش شهرنشینی و جامعه رو به توسعه شهری از اهمیت خاصی برخوردار است. براین اساس پژوهش حاضر تمرکز خود را بر ازدواج جوانان از جنبه ارتباطات بین همسایگان و میزان شناخت و آشنایی شهروندان شهرهای بزرگ و کوچک از همسایگان خود گذاشته است تا این فرضیه را مورد بررسی قرار دهد که همسایگان در شهرهای کوچک در مقایسه با کلان شهرها منبع مهمی برای همسریابی جوانان به شمار می‌آیند و شناخت همسایگان از یکدیگر در شهرهای کوچک نسبت به شهرهای بزرگ می‌تواند عملی برای کاهش آمار زنان ازدواج نکرده باشد.



روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع پیمایشی است، در این پژوهش ضمن مطالعه وضعیت آشنایی همسایگان در شهرهای مختلف همچنین مقایسه‌هایی بین گروه‌های شهروندان شهرهای کوچک و بزرگ از لحاظ چگونگی ارتباطات همسایگی به عمل آمده تا اثر آن بر آمار افراد ازدواج نکرده‌ی در سنین ازدواج معلوم گردد. در عین حال بخشی از اطلاعات پژوهش به صورت اسنادی و از سالنامه‌های آماری جمع‌آوری شده است.

جامعه آماری و روش نمونه‌گیری: جامعه آماری این تحقیق شامل خانوارهای استان فارس بودند. نمونه‌گیری به صورت چند مرحله‌ای هدفمند انجام گرفت که در آن شهر شیراز به عنوان یک کلان شهر و چهار شهر کوچک از بین شهرهای نقاط مختلف جغرافیایی این استان به عنوان نمونه به صورت هدفمند انتخاب شدند. سپس به طور تصادفی تعدادی از محله‌ها در هر یک از شهرهای برگزیده، انتخاب شدند و اطلاعات مورد نیاز از آنها جمع‌آوری گردید. نمونه‌گیری از هر بخش در چارچوب بلوک‌های ساختمانی به صورت نظام‌مند صورت گرفته است. کوچکترین واحد نمونه‌گیری خانوار بود. حجم نمونه در این تحقیق ۱۱۰۰ خانوار بوده و نمونه مورد مطالعه شامل ۷۰۰ خانوار از مرکز استان و ۴۰۰ خانوار از شهرستان‌های چهارگانه با حجم برابر بود.

ابزار تحقیق: برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از مصاحبه با فرم سوال‌های بسته در قالب یک پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. سوال‌های این پرسشنامه پیرامون میزان آشنایی با همسایگان و دیگر متغیرهای تحقیق طرح شدند. روایی صوری سوال‌های پرسشنامه قبل از اجرا با نظرخواهی از متخصصان بررسی شد و از لحاظ سنجش موضوع مورد تأیید قرار گرفت.

مقیاس آشنایی: مقیاس آشنایی متشکل از ۶ سوال ۵ گزینه‌ای درباره میزان آشنایی، رفت و آمد و صمیمیت با همسایگان خود بود. پایایی این مقیاس با استفاده از محاسبه ضریب آلفای کرونباخ به میزان ۰/۸۹ بدست آمد.

مقیاس ملاک‌های انتخاب همسر: این مقیاس که با استفاده از مقیاسی در همین زمینه (رفایی و همکاران، ۱۳۸۹) ساخته شده شامل ۲۵ اitem از قبیل میزان اهمیت سن همسر، شغل، تحصیلات، قومیت، نداشتن همسر یا رابطه قبلی و پرهیز از سیگار و مشروب و غیره بود. پاسخگو نظر خود را در دو بخش برای زمان قبل از ازدواج و زمان فعلی به شکل ۵ گزینه‌ای (از ۱=بی‌اهمیت، تا ۵= بسیار مهم) بیان می‌کرد. پایایی سوال‌های این مقیاس با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ معادل ۰/۸۴ بدست آمد.

بخش دیگری از اطلاعات نیز شامل آمارهای افراد ازدواج کرده و ازدواج نکرده مرتبط به شهرهای مورد مطالعه بوده است که به عنوان متغیر وابسته، اثر متغیر آشنایی همسایگان بر آن مورد بررسی قرار گرفت. آمارهای مورد نظر از طریق آمارنامه‌های سرشماری و پایگاه اینترنتی سازمان ثبت و احوال کشور جمع‌آوری شده‌اند.

شیوه تحلیل اطلاعات: برای تحلیل داده‌ها از شیوه‌های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. به این ترتیب که اطلاعات کمی جمع‌آوری شده برای پاسخ به سوال‌های ۱ و ۳ در قالب نمودارهای فراوانی و جداول آماری تحلیل شدند. پاسخ به سوال‌های ۳، ۴ و ۵ با استفاده از آزمون t گروه‌های مستقل صورت گرفته است و برای سوال ۶ تحقیق نیز از محاسبه ضریب همبستگی استفاده شد.



یافته‌های تحقیق

ویژگی‌های عمومی نمونه

ویژگی‌های پاسخ‌گویان از لحاظ جنسیت و نسبت با سرپرست خانوار به تفکیک شهرستان محل پرسشگری در جدول ۱ درج شده است.

جدول ۱ جنسیت و نسبت پاسخ‌گویان با سرپرست خانوار به تفکیک شهرستان

جمع کل	نسبت با سرپرست خانوار				شهرستان
	سایر	فرزند	همسر	سرپرست	
۴۲۷	۲۱	۴	۳۶۸	۳۴	زن
۲۴۵	۱	۱۳	۴	۲۲۷	مرد
۶۷۲	۲۲	۱۷	۳۷۲	۲۶۱	جمع
۶۷	۷	۱	۵۹	۰	زن
۳۱	۰	۰	۰	۳۱	مرد
۹۸	۷	۱	۵۹	۳۱	جمع
۶۲	۱		۵۹	۲	زن
۳۱	۰		۰	۳۱	مرد
۹۳	۱		۵۹	۳۳	جمع
۴۵			۳۷	۸	زن
۵۵			۰	۵۵	مرد
۱۰۰			۳۷	۶۳	جمع
۷۵	۳		۶۲	۱۰	زن
۲۳	۰		۰	۲۳	مرد
۹۸	۳		۶۲	۳۳	جمع
۶۷۶ (/۶۳/۷)	۳۲	۵	۵۸۵	۵۴	زن
۳۸۵ (/۳۶/۳)	۱	۱۳	۴	۳۶۷	مرد
۱۰۶۱ (/۱۰۰)	۳۳ (/۳/۶)	۱۸ (/۱/۷)	۵۸۹ (/۵۵/۵)	۴۲۱ (/۳۹/۷)	جمع کل

چنانکه در ردیف آخر جدول ۱ مشاهده می‌شود ۶۳/۷ درصد پاسخ‌گویان زن و ۳۶/۳ درصد بقیه مرد بوده‌اند. همچنین در مجموع ۳۹/۷ درصد پاسخ‌گویان از سرپرستان خانوارها بودند، ۵۵/۵ درصد همسر و ۵/۳ درصد نیز از فرزندان یا سایر بستگان بودند که جمع‌آوری اطلاعات تحقیق از طریق مصاحبه با آنها انجام گرفته است.



در جدول ۲ توزیع فراوانی منابع کمک کننده در معرفی افراد برای همسری فرزندان به تفکیک شهرستان محل سکونت

آمده است.

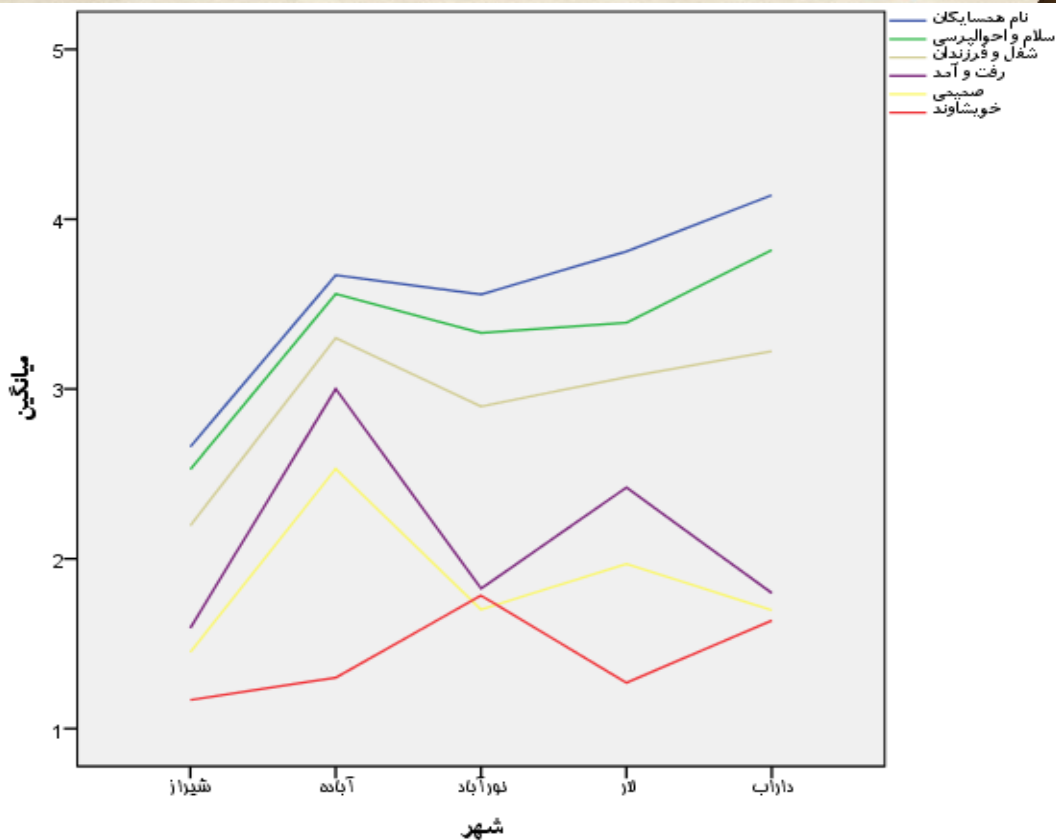
جدول ۲ توزیع فراوانی منابع کمک کننده در معرفی همسر برای فرزندان به تفکیک شهرستان

جمع ردیفی	فرد معرف در انتخاب همسر فرزندان					
	سایر	دوست / آشنا	خانواده	شخص	والدین	
۴۲۷ (٪۵۲/۱)	۷ (٪۱/۶)	۵۴ (٪۱۲/۶)	۳۱ (٪۷/۳)	۱۹۴ (٪۴۵/۴)	۱۴۱ (٪۳۳)	شیراز
۹۱ (٪۱۱/۱)	۰ (٪۰/۰)	۶ (٪۶/۶)	۸ (٪۸/۸)	۳۴ (٪۳۷/۴)	۴۳ (٪۴۷/۳)	آباده
۹۲ (٪۱۱/۲)	۲ (٪۲/۲)	۵ (٪۵/۴)	۶ (٪۶/۵)	۵۰ (٪۵۴/۴)	۲۹ (٪۳۱/۵)	نورآباد
۸۰ (٪۹/۸)	۰ (٪۰/۰)	۷ (٪۸/۸)	۳ (٪۳/۸)	۴۳ (٪۵۳/۸)	۲۷ (٪۳۳/۸)	لار
۱۲۹ (٪۱۵/۸)	۲ (٪۱/۶)	۱۲ (٪۹/۳)	۶ (٪۴/۷)	۶۲ (٪۴۸/۱)	۴۷ (٪۳۶/۴)	داراب
۸۱۹ (٪۱۰۰)	۱۱ (٪۱/۳)	۸۴ (٪۱۰/۳)	۵۴ (٪۶/۶)	۳۸۳ (٪۴۶/۸)	۲۸۷ (٪۳۵/۰)	جمع کل

داده‌های جدول ۲ نشان می‌دهد که منبع اصلی معرفی و شناسایی یا راهنمایی به منظور انتخاب همسر برای نزدیک به نیمی از افراد در مرتبه اول خود شخص بوده و در مرتبه دوم والدین معرف بوده‌اند. این الگو برای شیراز و سه شهر نورآباد، لار و داراب به همین ترتیب است اما در مورد شهرستان آباده وضعیت متفاوت است. در آباده درصد بیشتری از افراد (٪۴۷/۳) با راهنمایی و معرفی والدین همسر انتخاب کرده‌اند و در مرتبه بعد (٪۳۷/۴) خود شخص همسریابی کرده است. به این ترتیب به نظر می‌رسد در این شهرستان میانجی‌گری و دخالت والدین در امر همسرگزینی برای فرزندان بیشتر از سایر شهرستان‌های مورد مطالعه است.

میزان آشنایی همسایگان

میزان آشنایی شهروندان از همسایگان خود در چند بخش مورد پرسش قرار گرفت و از آنان خواسته شد در هر بخش مشخص کنند از جنبه مورد سوال با چه تعداد از همسایگان خود آشنایی دارید. پاسخ آزمودنی‌ها در یک طیف ۵ درجه‌ای (کمتر از سه همسایه = ۱ تا بیشتر از ۱۵ همسایه = ۵) جمع آوری و ثبت شده است. چگونگی پاسخ افراد به تفکیک شهرهای مختلف نمونه تحقیق در نمودار ۱ نشان داده شده است.



نمودار ۱ شاخص‌های مختلف آشنایی همسایگان به تفکیک شهرهای مختلف نمونه

عناوین موضوع‌های مورد پرسش در کنار نمودار درج شده است و به ترتیب از بالا به پایین در این نمودار ترسیم شده‌اند. دقت در این نمودار نشان می‌دهد که هر چه سطح اطلاعات مورد پرسش در باره همسایگان بالاتر می‌رود میزان آشنایی و آگاهی افراد در آن باره کمتر می‌شود. به عبارت روشن‌تر میزان شناخت افراد در مواردی مثل دانستن اسم همسایگان (نمودار بالایی) بیشتر است و در نمودارهای پایین‌تر که شامل، سلام و احوال‌پرسی، شناخت از شغل و فرزندان، و الی آخر است نمودارها افت پیدا می‌کند.

مطلب مهم‌تر مقایسه شهرهای مختلف با یکدیگر است که طبق نمودار فوق تفاوت عمده بین کلان شهر شیراز در مقایسه با چهار شهر دیگر است. چنانکه مشاهده می‌کنید میزان شناخت شهروندان کلان شهر شیراز در همه زمینه‌ها کمتر از شهروندان سایر شهرهای مورد مطالعه است. در بیشتر موارد شهروندان آباد و داراب آشنایی بیشتری با همسایگان خود را گزارش کرده‌اند.

تفاوت میزان آشنایی شهروندان کلان شهر شیراز با سایر شهرها به لحاظ آماری نیز معنادار است. مقایسه‌های آماری به عمل آمده به کمک شیوه تحلیل واریانس در جدول ۳ این تفاوت‌ها را نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که در همه شاخص‌های منظور شده برای آشنایی تفاوت معناداری بین حداقل یک جفت از زیرگروه‌ها وجود دارد. پیگیری تفاوت‌ها با استفاده از آزمون شفه نشان داد که میزان آشنایی شهروندان شیرازی در همه شاخص‌های آشنایی به جز شاخص خوبشاوند بودن، به طور معناداری از همه شهرهای دیگر کمتر است. این برجسته‌ترین نتیجه تحلیل واریانس بوده است هر چند تفاوت‌هایی بین زیرگروه‌های دیگر نیز وجود داشت. مثلاً میزان خوبشاوندی با همسایگان در نورآباد از همه شهرهای دیگر بالاتر بود.



جدول ۳ تفاوت میزان آشنایی شهروندان کلان شهر شیراز با سایر شهرها

سطح معناداری	آزمون <i>F</i>	میانگین مجذورات	درجات آزادی	مجموع مجذورات	منبع واریانس	شاخص‌های آشنایی
.۰۰۰	۱۲۳.۴۱۴	۱۰۴.۹۴۱	۴	۴۱۹.۷۶۳	بین گروهی	آشنایی با نام همسایگان
		.۸۵۰	۱۰۸۱	۹۱۹.۱۹۲	درون گروهی	
			۱۰۸۵	۱۳۳۸.۹۵۵	کل	
.۰۰۰	۱۱۷.۷۰۰	۸۲.۲۴۹	۴	۳۲۸.۹۹۵	بین گروهی	سلام و احوال‌پرسی
		.۶۹۹	۱۰۸۵	۷۵۸.۱۹۹	درون گروهی	
			۱۰۸۹	۱۰۸۷.۱۹۴	کل	
.۰۰۰	۱۰۴.۴۱۷	۶۲.۸۸۲	۴	۲۵۱.۵۲۸	بین گروهی	اطلاع از شغل و تعداد فرزندان
		.۶۰۲	۱۰۶۱	۶۳۸.۹۵۷	درون گروهی	
			۱۰۶۵	۸۹۰.۴۸۵	کل	
.۰۰۰	۱۳۲.۸۲۹	۵۴.۰۵۳	۴	۲۱۶.۲۱۲	بین گروهی	رفت و آمد داشتن
		.۴۰۷	۱۰۵۳	۴۲۸.۵۰۳	درون گروهی	
			۱۰۵۷	۶۴۴.۷۱۶	کل	
.۰۰۰	۹۵.۷۶۰	۲۹.۹۵۲	۴	۱۱۹.۸۰۹	بین گروهی	صمیمیت و درد دل کردن
		.۳۱۳	۱۰۵۳	۳۲۹.۳۶۳	درون گروهی	
			۱۰۵۷	۴۴۹.۱۷۲	کل	
.۰۰۰	۳۸.۵۲۰	۱۱.۲۲۷	۴	۴۴.۹۰۹	بین گروهی	خوبشاوند بودن
		.۲۹۱	۱۰۲۶	۲۹۹.۰۴۳	درون گروهی	
			۱۰۳۰	۳۴۳.۹۵۲	کل	

از ترکیب پاره‌مقیاس‌های میزان آشنایی همسایگان، یک مقیاس کلی برای آشنایی در نظر گرفته شد که میانگین و انحراف معیار نمرات آن به تفکیک شهر در جدول ۴ آمده است. بررسی این تفاوت‌ها به کمک شیوه تحلیل واریانس نیز معناداری این تفاوت‌ها را نشان داد. همچنین آزمون‌های پیگیری تفاوت‌های جفتی میانگین‌ها با استفاده از آزمون شفه نشان داد که میانگین میزان آشنایی در بین شهروندان شیرازی بطور



معناداری از همه شهرهای دیگر پایین‌تر بود. همچنین میانگین میزان آشنایی شهروندان آواده از شیراز و نورآباد بطور معناداری بالاتر بود، سایر موارد با هم تفاوت معناداری نداشتند.

جدول ۴ تحلیل واریانس تفاوت میانگین نمرات مقیاس کلی میزان آشنایی همسایگان

شهر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	آزمون F	سطح معناداری
شیراز	۶۵۸	۳/۶۹	۱/۴۲	۱۲۲/۲۱۹	۰/۰۰۰۱
آواده	۱۰۰	۶/۵۶	۱/۲۵		
نورآباد	۹۷	۵/۲۷	۱/۷۲		
لار	۹۵	۵/۴	۱/۵۵		
داراب	۹۶	۵/۵۴	۱/۳۴		

بررسی میزان تماس و ارتباط بین همسایگان حاکی از آن است که ۶۴/۲ درصد از افراد طی یک روز قبل با یکی از همسایگان خود به نوعی تماس داشته‌اند. برای ۳۲/۵ درصد دیگر چنین تماسی در عرض یک هفته صورت گرفته است. به این ترتیب در مجموع ۹۶/۷ درصد شهروندان طی یک هفته گذشته یکدیگر را ملاقات کرده‌اند. بخش زیادی از تماس‌های افراد با همسایگان خود در حد سلام یا احوال‌پرسی و به شکل گذرا بوده و بیرون از منزل اتفاق افتاده است (۰/۷۳/۶)، ۸/۴ درصد به شکل محفل یا تفریح بوده، ۴/۷ درصد پیرامون مسائل فرزندان، ۳/۰ درصد برای همکاری، ۵/۸ درصد در نوعی مراسم و ۲/۲ درصد نیز برای نوعی تذکر بوده است. الگوی این رفتار در کلان شهر شیراز نیز نزدیک به کل نمونه بوده بطوری که ۹۶/۷ درصد شهروندان شیرازی نیز در طی یک هفته ملاقاتی با همسایگان خود داشته‌اند و ۷۷/۸ درصد آن جنبه گذرا و احوال‌پرسی داشته است.

اهمیت نسبی ملاک‌های گزینش همسر در زمان ازدواج و زمان حال

دیدگاه‌های پاسخگویان در باره ملاک‌های انتخاب همسر در هنگام ازدواج و اکنون روی یک مقیاس ۲۵ گزینه‌ای بررسی و مورد مقایسه قرار گرفت. به این ترتیب که از آزمودنی‌ها خواسته شد اهمیت ۲۵ ملاک مختلف مانند سن همسر، شغل، جذابیت، سلامت، تحصیلات، عفت، پرهیز از مواد مخدر و مشروبات و اصالت خانوادگی را روی یک مقیاس ۵ گزینه‌ای (از بی‌اهمیت = ۱ تا بسیار با اهمیت = ۵) در دو بعد زمانی - یکی در زمان ازدواج و دیگری برای زمان کنونی - معین کنند. نتایج حاصل از این مقایسه حاکی از آن است که ملاک‌های افراد پس از ازدواج سختگیرانه‌تر شده است. بطوری که میانگین و انحراف معیار نمره مربوط به ملاک‌های انتخاب همسر در زمان کنونی ($S = ۰/۲۷, M = ۴/۲۹$) نسبت به میانگین این نمره در هنگام ازدواج ($S = ۰/۳۷, M = ۳/۹۲$) افزایش داشته و این تفاوت معنادار است ($P < ۰/۰۰۱, t = ۳۳/۳۱$). جدول ۵ ناظر بر این مقایسه است که با کمک آزمون t گروه‌های وابسته به عمل آمده است.

جدول ۵ مقایسه اهمیت ملاک‌های گزینش همسر در زمان ازدواج و زمان حال

ملاک‌های	میانگین	تعداد	انحراف معیار	خطای معیار	تفاوت میانگین‌ها	t	سطح معناداری
----------	---------	-------	--------------	------------	------------------	-----	--------------



.....	۱۳۳.۳	۶.۳۶	۰.۱۱۸	۰.۳۷۳	۹۹۵	۳.۹۲	زمان ازدواج
			۵.۰۰۸	۰.۲۶۸	۹۹۵	۴.۲۸۸	اکنون

پیگیری تفاوت بین میانگین ملاک‌های انتخاب همسر در هنگام ازدواج و زمان حال از جنبه اثر جنسیت پاسخگو نشان داد که نمرات دو جنس در هر یک از این دو مقطع زمانی و نیز از لحاظ میزان تغییر طی زمان، به هم نزدیک بوده و تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند. علاوه بر این میانگین ملاک‌های انتخاب همسر در هنگام ازدواج و زمان حال برای شهروندان شهرهای مختلف محاسبه شد که نتایج به شرح جدول ۶ است.

جدول ۶ میانگین ملاک‌های انتخاب همسر به تفکیک شهر و دو زمان

شهر	اکنون	زمان ازدواج	میزان تغییر
شیراز	۴/۲۵	۳/۹۰	۰/۳۵
آباده	۴/۲۹	۳/۹۷	۰/۳۲
نورآباد	۴/۲۷	۳/۸۸	۰/۳۹
لار	۴/۵۷	۴/۱۳	۰/۴۴
داراب	۴/۳۱	۳/۸۹	۰/۴۲

همچنین با استفاده از شیوه تحلیل واریانس، میانگین نمرات شهروندان شهرهای مختلف از لحاظ ملاک‌های انتخاب همسر مورد مقایسه قرار گرفت که نشان دهنده معناداری مقدار آزمون F بدست آمده بود. پیگیری تفاوت بین میانگین‌ها به صورت مقایسه دو به دو، نشان داد که عمده تفاوت معنادار بین دیدگاه‌های شهروندان لار با سایر شهرهای استان فارس وجود دارد (جدول ۷) که هم در ملاک‌های هنگام ازدواج و هم در ملاک‌های زمان حال دیدگاه‌های سختگیرانه‌تری را اظهار داشتند. ضمن اینکه میزان تغییر هم در این گروه از همه بالاتر بوده است. به منظور پرهیز از طولانی شدن مطلب از آوردن موارد غیر معنادار در این جدول خودداری شده است.

جدول ۷ پیگیری تفاوت بین جفت میانگین‌ها

ملاک	شهر	تفاوت میانگین‌ها	خطای معیار	۹۵٪ فاصله اطمینان		
				سطح معناداری	کرانه بالا / کرانه پایین	
اکنون	لار	شیراز	۰.۳۱۷*	۰.۰۲۶۹	۰.۲۳۱	۰.۴۰۰
		آباده	۰.۲۷۹*	۰.۰۳۵۹	۰.۱۸۴	۰.۳۹۶
		نورآباد	۰.۲۹۵*	۰.۰۳۵۹	۰.۱۸۶	۰.۴۰۶
		داراب	۰.۲۵۷*	۰.۰۳۵۹	۰.۱۴۶	۰.۳۶۸
هنگام ازدواج	لار	شیراز	۰.۲۳۵*	۰.۰۳۴۰	۰.۱۱۲	۰.۳۵۹
		آباده	۰.۱۶۳	۰.۰۵۳۱	-۰.۰۰۲	۰.۳۲۶



.۴۱۳	.۰۸۷۶	.۰۰۰	.۰۵۲۷	.۲۵۰*	نورآباد		
.۴۱۱	.۰۸۵۰	.۰۰۰	.۰۵۲۸	.۲۴۸*	داراب		

سن مناسب برای ازدواج دختر و پسر

از آزمودنی‌ها در باره سن مناسب برای ازدواج دختران و پسران نظرسنجی به عمل آمد. همانطور که انتظار می‌رفت بطور کلی آزمودنی‌ها برای ازدواج دختران سن پایین‌تری را ($M = ۲۲/۱۰$, $S = ۲/۴۸$) نسبت به پسران ($M = ۲۵/۹۲$, $S = ۲۵/۹۲$) مناسب می‌دانند و این تفاوت در سطح بالایی ($t = ۶۸/۵۰$, $P < ۰/۰۰۰۱$) معنادار است.

در جدول ۸ دیدگاه‌های شهروندان شهرهای مختلف در باره سن مناسب برای ازدواج دختران و پسران آمده است.

جدول ۸ دیدگاه شهروندان شهرهای مختلف در باره سن مناسب برای ازدواج دختران و پسران

شهر	سن	پسران
شیراز	میانگین	۲۶/۲۳
	تعداد	۶۹۵
	انحراف معیار	۲/۶۹۲
آباده	میانگین	۲۵/۰۳
	تعداد	۱۰۰
	انحراف معیار	۱/۶۸۴
نورآباد	میانگین	۲۵/۸۴
	تعداد	۸۷
	انحراف معیار	۲/۸۱۱
لار	میانگین	۲۴/۵۴
	تعداد	۱۰۰
	انحراف معیار	۲/۳۹۳
داراب	میانگین	۲۶/۰۷
	تعداد	۱۰۰
	انحراف معیار	۲/۳۲۸
جمع کل	میانگین	۲۵/۹۲
	میانه	۲۲
	دامنه	۲۰ - ۳۵
	تعداد	۱۰۸۲
	انحراف معیار	۲/۴۷۵



برای بررسی معناداری تفاوت‌های دیدگاه‌های شهروندان در شهرهای مختلف در باره سن مناسب برای ازدواج جوانان از شیوه تحلیل واریانس استفاده شد. نتایج در جدول ۹ آمده است. همان گونه که در این جدول مشاهده می‌شود، هم در مورد سن دختران و هم سن پسران میزان آزمون F بدست آمده نشان دهنده تفاوت معناداری بین برخی از میانگین‌ها است.

جدول ۹ تحلیل واریانس دیدگاه‌های شهروندان شهرهای مختلف در باره سن مناسب ازدواج جوانان

گروه‌ها	منابع واریانس	مجموع محذورات	درجات آزادی	میانگین محذورات	آزمون F	سطح معناداری
پسران	بین گروهی	۳۳۸/۷۱۵	۴	۸۴/۶۷۹	۱۲/۸۵۵	۰/۰۰۰
	درون گروهی	۷۰۹۴/۶۳۲	۱۰۷۷	۶/۵۸۷		
	کل	۷۴۳۳/۳۴۷	۱۰۸۱	۵۳/۲۷۳		
دختران	بین گروهی	۲۱۳/۰۹۱	۴	۵۳/۲۷۳	۸/۹۵۳	۰/۰۰۰
	درون گروهی	۶۴۳۲/۵۱۸	۱۰۸۱	۵/۹۵۱		
	کل	۶۶۴۵/۶۱۰	۱۰۸۵			

نتایج آزمون پیگیری برای مقایسه دو به دوی میانگین‌ها به کمک آزمون شفه در جدول ۱۰ آمده است. این مقایسه از یک سو گویای تفاوت معنادار بین دیدگاه شهروندان شیرازی با شهروندان لار و آباده در مورد سن مناسب برای ازدواج پسران است، که شیرازی‌ها سن بالاتری را مناسب دانسته‌اند؛ همچنین بین دیدگاه شهروندان لاری با دارایی نیز تفاوت معناداری در این مورد وجود دارد که لاری‌ها سن کمتری را برای ازدواج پسران مناسب می‌دانند. از سوی دیگر نتایج آزمون پیگیری شفه نشان دهنده تفاوت معنادار بین دیدگاه شهروندان شیرازی با شهروندان لار، آباده و نورآباد در مورد سن پسران است که شیرازی‌ها باز هم سن بالاتری را برای ازدواج دختران مناسب می‌دانند. سایر شهرها از این لحاظ با یکدیگر تفاوت معناداری ندارند.

جدول ۱۰ نتایج آزمون شفه برای پیگیری تفاوت بین جفت میانگین‌ها در باره سن مناسب برای ازدواج

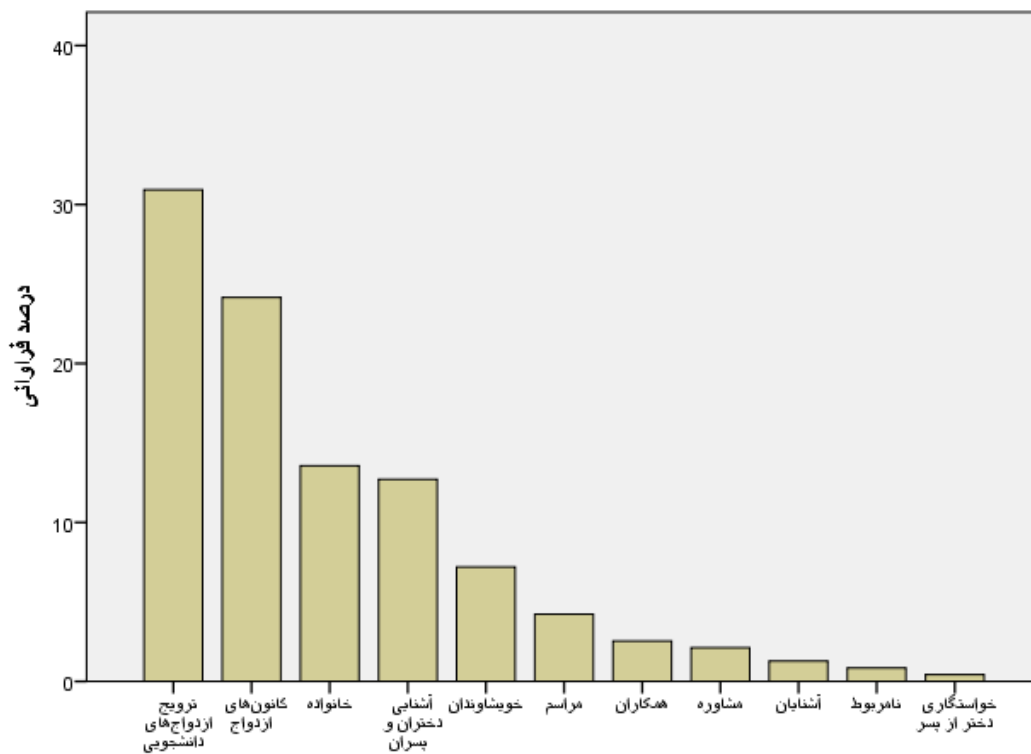
گروه‌ها	شهر ۱	شهر ۲	تفاوت میانگین‌ها	خطای معیار	فاصله اطمینان ۹۵٪	
					سطح معناداری	کرانه پایین کرانه بالا
پسران	شیراز	آباده	۱.۱۹۹*	۰/۲۷۵	۰/۰۰۱	۰/۳۵
		نورآباد	۰/۳۹۰	۰/۲۹۲	۰/۷۷۶	-۰/۵۱
		لار	۱/۶۸۹*	۰/۲۷۵	۰/۰۰۰	۰/۸۴
		داراب	۰/۱۵۹	۰/۲۷۵	۰/۹۸۷	-۰/۶۹
دختران	لار	-۱/۵۳*	۰/۳۶۳	۰/۰۰۱	-۲/۶۵	-۰/۴۱
	شیراز	۱/۱۲۷*	۰/۲۶۱	۰/۰۰۱	۰/۳۲	۱/۹۳



۱/۹۸	۰/۲۸	۰/۰۰۲	۰/۲۷۶	۱/۱۳۳*	نورآباد	
۱/۴۶	--۰/۱۵	۰/۱۷۶	۰/۲۶۱	۰/۶۵۷	لار	
۱/۳۹	--۰/۲۲	۰/۲۸۲	۰/۲۶۱	۰/۵۸۷	داراب	

همچنین دیدگاه‌های زنان و مردان پاسخگو در باره سن مناسب برای ازدواج دختران و پسران مورد بررسی قرار گرفت که تفاوت معناداری بین آنها وجود نداشت. به عبارت دیگر جنسیت آزمودنی‌ها بر دیدگاه آنان در باره سن ازدواج دختران و پسران اثری نداشته است.

پاره‌ای پیشنهادات مطرح شده از سوی پاسخ‌گویان در باره راه‌های همسریابی جوانان در نمودار ۲ ارائه شده است. در این نمودار درصد فراوانی نسبی راه‌حل‌های پیشنهادی افراد برای همسریابی جوانان ترسیم شده است.



نمودار ۲ درصد فراوانی نسبی پیشنهادات مختلف آزمودنی‌ها برای همسریابی جوانان

مقایسه آمار ازدواج در شهرستان‌های مختلف



در ادامه این بحث و برای پاسخ به سوال تحقیق در باره اینکه آیا میزان آشنایی همسایگان بر آمار افراد ۴۰ ساله و بالاتر ازدواج کرده و ازدواج نکرده در شهرهای مختلف تأثیر دارد، به بررسی و مقایسه آمارهای ازدواج در شهرستان‌های مورد مطالعه می‌پردازیم. این آمارها از سرشماری عمومی سال ۱۳۹۰ بدست آمده است که از نظر زمانی نزدیکی بیشتری به زمان جمع‌آوری داده‌های این پژوهش بوده است
اگر سنین بالای ۳۰ سال را برای ازدواج جوانان سنین بحرانی تلقی کنیم که در واقع افراد از دوره جوانی خود فاصله گرفته اما هنوز ازدواج نکرده‌اند، نگاهی به آمار سرشماری رسمی سال ۱۳۹۰ حکایت از مشکل جدی در این باره دارد. در جدول ۱۱ آمار مردان هرگز ازدواج نکرده را مشاهده می‌کنیم که طبق آن در سنین ۳۴-۳۰ سال درصد نسبی مردان هرگز ازدواج نکرده در شهرستان نورآباد (۲۴/۷) و شیراز (۲۴/۱) دارای بیشترین میزان و در داراب (۱۶/۳) از همه کمتر است. درصد مردان هرگز ازدواج نکرده در این سنین در لار ۲۱/۲، و در آباده ۱۹/۰ است. در مقاطع سنی بعدی عموماً درصد مردان ازدواج نکرده در شیراز و لار بیشتر از شهرستان‌های دیگر است.

جدول ۱۱ آمار مردان هرگز ازدواج نکرده بالای ۳۰ سال به تفکیک شهر و طبقات سنی

شیراز	آباده	داراب	نورآباد	لار	
۱۷۷۱۵	۷۰۷	۵۹۵	۵۷۷	۱۳۱۰	۳۰-۳۴ ساله
(۲۴/۰)	(۱۹/۰)	(۱۶/۳)	(۲۴/۷)	(۲۱/۲)	
۵۹۸۳	۲۴۲	۱۹۶	۱۶۹	۴۳۳	۳۵-۳۹ ساله
(۱۰/۷)	(۸/۴)	(۷/۱)	(۷/۹)	(۹/۳)	
۳۰۲۳	۱۰۳	۸۳	۶۵	۲۳۳	۴۰-۴۴ ساله
(۵/۶)	(۳/۶)	(۳/۲)	(۲/۷)	(۵/۶)	
۱۷۷۷	۸۳	۵۱	۲۱	۱۲۹	۴۵-۴۹ ساله
(۳/۷)	(۳/۱)	(۲/۳)	(۱/۲)	(۳/۶)	
۱۱۱۴	۳۳	۲۴	۶	۶۷	۵۰-۵۴ ساله
(۲/۶)	(۱/۴)	(۱/۲)	(۰/۴)	(۲/۲)	
۵۸۵	۱۶	۷	۱	۳۵	۵۵-۵۹ ساله
(۱/۸)	(۰/۹)	(۰/۵)	(۰/۱)	(۱/۵)	
۲۲۲	۱۸	۸	۶	۱۶	۶۰-۶۴ ساله
(۱/۰)	(۱/۶)	(۱/۰)	(۰/۹)	(۱/۰)	
۳۶۸	۱۵	۶	۵	۵۰	۶۵ ساله و بیشتر
(۰/۹)	(۰/۵)	(۰/۳)	(۰/۴)	(۱/۶)	

در جدول ۱۲ آمار زنان هرگز ازدواج نکرده را مشاهده می‌کنیم که طبق آن در سنین ۳۴-۳۰ سال درصد نسبی زنان هرگز ازدواج نکرده در شهرستان نورآباد (۲۱/۵) باز هم دارای بیشترین میزان است. شیراز (۱۷/۶) و لار (۱۷/۲) در مراتب بعدی قرار دارند. درصد زنان هرگز ازدواج نکرده در این سنین در آباده و داراب ۱۴/۶ است که از همه کمتر است. در مقاطع سنی بعدی عموماً درصد زنان ازدواج نکرده در لار عموماً بیشتر از شهرستان‌های دیگر است.

دقت در ردیف‌های پایین جدول ۱۲ نکات دیگری را نیز آشکار می‌کند. اگر سنین ۴۵ سالگی و بالاتر را از دست رفتن فرصت فرزندآوری در نظر بگیریم در مقاطع سنی ۴۵ سال به بالا طبق جدول در مجموع ۶۴۰۷ نفر از جمعیت کل ۲۳۷۴۴۵ نفر زنان شیرازی در این



سنین (معادل ۲/۷ درصد) فرصت فرزندآوری را از دست داده‌اند. علاوه بر این بر اساس ارقام سه ردیف اول جدول در مجموع ۲۱۹۷۷ (معادل ۹/۲۵٪) از زنان شیرازی در سنین بین ۳۰ و ۴۵ سال هنوز ازدواج نکرده‌اند و در صورت ازدواج با تأخیر به مرحله فرزندآوری می‌رسند که فرصت کمی برای فرزندآوری خواهند داشت. در شهرستان لار نیز شاهد وضعیتی تقریباً مشابهی هستیم. در سه شهرستان دی‌گر ای-ن آمارها پایی-ن تر است.

جدول ۱۲ آمار زنان هرگز ازدواج نکرده بالای ۳۰ سال به تفکیک سن و

شهر

داراب	لار	نورآباد	آباده	شیراز	
۵۸۶ (۱۴/۶)	۹۳۸ (۱۷/۲)	۵۹۱ (۲۱/۵)	۵۴۶ (۱۴/۶)	۱۳۳۶۵ (۱۷/۶)	۳۰-۳۴ ساله
۲۶۳ (۹/۷)	۴۳۷ (۱۰/۸)	۲۴۱ (۹/۸)	۲۳۹ (۸/۱)	۵۱۴۵ (۹/۴)	۳۵-۳۹ ساله
۱۴۰ (۶/۱)	۳۷۰ (۱۰/۰)	۱۱۵ (۴/۸)	۱۵۶ (۵/۱)	۳۴۶۷ (۶/۶)	۴۰-۴۴ ساله
۹۳ (۴/۵)	۲۴۵ (۷/۹)	۱۲۴ (۷/۴)	۷۹ (۳/۱)	۲۳۰۷ (۴/۹)	۴۵-۴۹ ساله
۶۱ (۳/۲)	۱۴۵ (۵/۳)	۴۳ (۲/۸)	۵۱ (۲/۳)	۱۶۴۷ (۴/۰)	۵۰-۵۴ ساله
۳۱ (۲/۲)	۹۷ (۴/۲)	۱۲ (۱/۲)	۲۹ (۱/۶)	۱۱۵۸ (۳/۶)	۵۵-۵۹ ساله
۱۶ (۱/۶)	۳۳ (۱/۹)	۷ (۱/۰)	۱۳ (۱/۱)	۵۷۵ (۳/۱)	۶۰-۶۴ ساله
۲۴ (۱/۳)	۶۷ (۲/۰)	۸ (۰/۵)	۲۲ (۰/۶)	۷۲۰ (۱/۸)	۶۵ ساله و بیشتر

به منظور یافتن پاسخی برای سوال ۵ تحقیق مبنی بر اینکه میزان آشنایی همسایگان چه تأثیری بر نرخ ازدواج دارد باید آمارهای جداول فوق را با توجه به نتایج قبل تر در باره میزان آشنایی همسایگان با یکدیگر و نیز میزان انتخاب همسر از بین همسایگان مورد توجه قرار دهیم. چنانکه پیش تر در نتایج این پژوهش مشاهده شد، انتخاب همسر برای فرزندان از بین همسایگان در شیراز کمترین مقدار (۶/۱٪) را داشته اما در آباده دارای بیشترین فراوانی (۱۶/۵٪) است و در سه شهرستان دیگر سهم همسایگان حدود ۸/۶ درصد بوده است. به این ترتیب این یافته‌ها را می‌توان در جهت تأیید این فرض دانست که آشنایی بیشتر همسایگان به انتخاب بیشتر همسر از بین آنان و در نتیجه کاهش آمار افراد ازدواج نکرده می‌انجامد. چنانکه در شهرستان آباده که میزان آشنایی همسایگان نسبت به دیگر شهرها زیادتر است (رجوع کنید به نمودار ۱ شاخص‌های مختلف آشنایی همسایگان) میزان انتخاب همسر برای فرزندان از بین همسایگان بیشتر بوده و آمار دختران ازدواج نکرده در سنین مختلف کمتر از شهرستان‌های دیگر است (جدول ۱۲). اما در شیراز که یک کلان شهر است و آشنایی بین همسایگان کم است این وضعیت برعکس است.



میزان همبستگی بین نمره کلی مقیاس آشنایی و درصد زنان ازدواج نکرده در سطوح مختلف سنی با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون محاسبه گردید. نتایج به شرح جدول ۱۳ است. همانگونه که انتظار می‌رفت و در این جدول نیز مشاهده می‌شود میزان آشنایی با درصد زنان ازدواج نکرده در همه سنین دارای رابطه منفی است. این ضرایب بین ۰/۱۸- تا ۰/۸۶- متغیر بودند و برای کل سنین ۳۰ تا ۶۵ سال ۰/۵۲- است. اما بدلیل اینکه تعداد نمونه محدود است (۵ شهر) و معناداری ضریب همبستگی متأثر از تعداد نمونه می‌باشد، با وجود اینکه ضرایب قابل توجه هستند تنها یک مورد از این ضرایب در سطح معناداری قرار دارد.

همچنین بین آمار زنان ازدواج نکرده در سطوح سنی مختلف عموماً همبستگی مثبت و بالایی مشاهده می‌شود که میزان آن گاه بالغ بر ۰/۹۷ است. در این میان درصد زنان ازدواج نکرده در سنین ۳۰ تا ۳۴ سال با درصد زنان ازدواج نکرده در سطوح سنی دیگر عموماً دارای رابطه منفی است.

جدول ۱۳ میزان همبستگی بین نمره کلی مقیاس آشنایی و درصد زنان ازدواج نکرده در سطوح سنی مختلف

۳۴- ۳۰ سال	۳۹- ۳۵ سال	۴۴- ۴۰ سال	۴۹- ۴۵ سال	۵۴- ۵۰ سال	۵۹- ۵۵ سال	۶۴- ۶۰ سال	۶۵ سال به بالا	کل زنان ۳۰ سال به بالا	
-۰.۴۰۱	-۰.۳۵۹	-۰.۱۷۶	-۰.۲۵۴	-۰.۴۵۳	-۰.۵۱۹	-۰.۸۵۹*	-۰.۵۶۹	-۰.۵۲	ضریب همبستگی میزان سطح معناداری (یک آشنایی همسایگان دامنه) تعداد
۰.۲۵۱	۰.۲۷۶	۰.۳۸۸	۰.۳۴۰	۰.۲۲۲	۰.۱۸۵	۰.۰۳۱	۰.۱۵۸	۰.۱۸۵	
۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	
-۰.۱۸۸	۰.۶۱۲	۰.۸۵۲*	۰.۲۸۲	۰.۹۱۳*	۰.۹۷۵**	۰.۷۹۷			ضریب همبستگی ۶۵ سال سطح معناداری (یک به بالا دامنه)
۰.۳۸۱	۰.۱۳۶	۰.۰۳۳	۰.۳۲۳	۰.۰۱۵	۰.۰۰۲	۰.۰۵۳			
-۰.۰۶۴	۰.۲۱۹	۰.۴۰۸	-۰.۰۲۴	۰.۵۷۹	۰.۷۶۸				ضریب همبستگی ۶۰-۶۴ سطح معناداری (یک سال دامنه)
۰.۴۵۹	۰.۳۶۲	۰.۲۴۸	۰.۴۸۵	۰.۱۵۳	۰.۰۶۵				
-۰.۱۳۷	۰.۵۷۶	۰.۸۹۷*	۰.۳۲۴	۰.۹۳۸**					ضریب همبستگی ۵۵-۵۹ سطح معناداری (یک سال دامنه)
۰.۴۱۳	۰.۱۵۴	۰.۰۲۰	۰.۲۹۸	۰.۰۰۹					
۰.۰۸۳	۰.۸۱۰*	۰.۹۵۳**	۰.۶۱۶						ضریب همبستگی ۵۰-۵۴ سطح معناداری (یک سال دامنه)
۰.۴۴۷	۰.۰۴۸	۰.۰۰۶	۰.۱۳۴						
۰.۷۳۰	۰.۸۷۴*	۰.۵۱۵							ضریب همبستگی ۴۵-۴۹



۰.۸۱	۰.۲۶	۰.۱۸۷						سال	سطح معناداری (یک دامنه)
-۰.۱۲۱	۰.۷۱۹							۴۰-۴۴	ضریب همبستگی سطح معناداری (یک دامنه)
۰.۴۲۳	۰.۰۸۵							سال	ضریب همبستگی
۰.۴۰۰								۳۵-۳۹	سطح معناداری (یک دامنه)
۰.۲۵۲								سال	

در انتها نظر می‌افکنیم به آمار کلی زنان ازدواج نکرده در شهرهای مختلف استان فارس که در این تحقیق مورد مطالعه قرار گرفته اند (جدول ۱۴). طبق اطلاعات مندرج در این جدول درصد زنان هرگز ازدواج نکرده در مجموع در شهر لار (۹/۱۶٪) از همه شهرهای دیگر بالاتر بوده و در مراتب بعدی شهرهای نورآباد (۷/۹۹٪) و شیراز (۷/۶۸٪) قرار دارند.

جدول ۱۴ تعداد و درصد نسبی زنان ازدواج نکرده در تمام سطوح سنی بین ۳۰ تا ۶۵ سال به تفکیک شهر

تعداد کل زنان	شیراز	آباده	نورآباد	لار	داراب
۳۶۹۵۰۳	۲۱۳۴۱	۱۴۲۸۰	۲۵۴۶۸	۱۷۶۰۸	
تعداد ازدواج نکرده	۲۸۳۸۴	۱۱۳۵	۱۱۴۱	۲۳۳۲	۱۲۱۴
درصد ازدواج نکرده	۷/۶۸	۵/۳۲	۷/۹۹	۹/۱۶	۶/۹۰

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی میزان آشنایی همسایگان در شهرهای مختلف و تأثیر آن بر همسریابی و ازدواج جوانان بوده است. فرض عمده مطالعه حاضر بر این بود که با افزایش جمعیت و پیچیده‌تر شدن اجتماعات انسانی روابط سنتی بین شهروندان به تدریج کم رنگ می‌گردد به گونه‌ای که شناخت شهروندان از یکدیگر کاهش یافته و این موضوع از جمله بر فرایند همسریابی افراد جامعه تأثیر منفی خواهد داشت زیرا شناخت افراد از یکدیگر به عنوان یکی از ضروریات تصمیم‌گیری در انتخاب همسر رو به کاهش می‌رود. ناشناخته ماندن افراد به خصوص دختران جامعه که به لحاظ محدودیت‌های فرهنگی و سنتی در انتخاب همسر نقش انفعالی دارند و باید در انتظار رسیدن یک مرد برای خواستگاری از آنها بمانند، باعث از دست رفتن فرصت‌های ازدواج آنان خواهد شد.



بررسی این هدف با طرح چند سوال تحقیقاتی دنبال گردید. یافته‌های تحقیق گویای آن است که بطور کلی بیشترین ظرفیت انتخاب همسر به ترتیب مربوط به اقوام نزدیک و اقوام دور است. این دو منبع در حدود ۶۵ درصد از فراوانی‌ها را در عمل به خود اختصاص داده‌اند. همچنین میزان انتخاب همسر از بین همکاران نیز قابل توجه بوده است. به عبارت دیگر اشتغال به کار نیز فرصت مناسبی برای یافتن همسر است چرا که شانس شناخته شدن را افزایش می‌دهد. انتخاب همسر از بین همسایگان و یا بطور تصادفی تقریباً به یک اندازه (هر یک ۸ درصد) بوده است. تغییرات الگوی انتخاب همسر در شهرهای مختلف نشان از تفاوت‌های فرهنگی در این باره دارد. چنان که مشاهده شد شهروندان کلان شهر شیراز کمترین انتخاب (۰/۶۱) را از بین همسایگان داشته‌اند که خود گواهی بر ناشناخته ماندن دختران در آن دسته از محیط‌های اجتماعی دارد که از بافت‌های پیچیده‌تری برخوردارند. اما در شهرهای کوچکتر مانند آبادیه انتخاب همسر از همسایگان (۰/۱۶/۵) بیشترین فراوانی را داشته، همچنین در سه شهرستان دیگر سهم همسایگان به عنوان منبع همسریابی حدود ۸/۶ درصد بوده است.

همچنین مقایسه الگوی انتخاب همسر در دو نسل والدین و فرزندان گویای آن است که گرایش به انتخاب همسر از بین خویشاوندان (بویژه اقوام نزدیک) افزایش یافته است. این در حالی است که می‌توان تصور کرد با گسترش رسانه‌های ارتباط جمعی و افزایش میزان دسترسی به رادیو و تلویزیون اطلاعات عمومی مردم در باره ریسک بیشتر این نوع ازدواج‌ها از لحاظ نقایص مادرزادی فرزندان هم بایستی افزایش یافته باشد؛ اما دلیل این ریسک‌پذیری احتمالاً نداشتن شناخت از غریبه‌ها در مقایسه با خویشاوندان است، البته فراهم شدن امکان آزمایشات ژنتیکی قبل از ازدواج را هم نباید نادیده گرفت.

وقتی موضوع انتخاب همسر برای فرزندان از جنبه میزان رضایت خانواده از انواع انتخاب بررسی شد معلوم گردید بین دو حالت رضایت از انتخاب اقوام نزدیک و انتخاب از دوستان و آشنایان تفاوت معناداری به سود اقوام نزدیک وجود دارد. به این ترتیب الگوی گرایش‌ها در انتخاب همسر با الگوی رضایت همخوانی دارد.

همچنین بخشی از یافته‌های تحقیق از دشواری همسریابی برای دختران در مقایسه با پسران حکایت داشت که این تفاوت به لحاظ آماری معنادار بود. البته این تفاوت طبیعی و در جهت مورد انتظار است، اما تفاوت معنادار در این خصوص بین شیراز و دیگر شهرها را نیز باید در راستای فرض تحقیق مبنی بر ناشناخته ماندن بیشتر دختران در شهرهای بزرگی مانند شیراز دانست.

نتایج حاصل از بررسی میزان آشنایی و تماس همسایگان با یکدیگر نکات جالبی را نشان داد که در راستای تأیید فرض کلی این تحقیق مبنی بر ناشناخته ماندن دختران در شهرهای بزرگ است. چنان که دیدیم میزان آشنایی شهروندان شیرازی با همسایگان خود بطور معناداری کمتر از شهرهای دیگر بود. رجوع به نتایج نمودار ۱ نشان می‌دهد که حتی میزان آشنایی شهروندان شیرازی از نام همسایگان خود پایین‌تر از حد متوسط است. یعنی عموماً افراد ده همسایه خود را با نام نمی‌شناسند.

تفاوت‌های میزان شناخت شهروندان از همسایگان خود در بین شهرهای مختلف نیز در خور توجه است چون حکایت از تنوع قومی و بافت اجتماعی دارد. در شهرهای داراب و آبادیه به هر دلیل میزان آشنایی شهروندان با همسایگان خود بالاتر از سایر شهرها است. به عبارت دیگر تعاملات اجتماعی بین همسایگان بیش از نقاط دیگر برقرار است.

با توجه به نظریات جامعه‌شناسی مانند نظریه بوردیو پیرامون سرمایه اجتماعی روابط همسایگی یک زمینه مناسب برای بسط این سرمایه است که به طور خاص در حوزه ازدواج جوانان و تسهیل همسریابی می‌تواند اثربخش باشد. اما به نظر می‌رسد که با توسعه شهرها و افزایش بیگانگی شهروندان با یکدیگر در شهرهای بزرگ، سودمندی این منبع رو به کاهش است که باید برای جبران آن راه‌کارهایی اندیشیده شود. توجه به ساز و کارهای مردم‌نهادی را باید از جمله این راه‌کارها به حساب آورد. همگرایی در امر اداره محلات و استفاده بیشتر از ظرفیت‌های محلی برای اداره امور شهری را می‌توان به عنوان یکی از راه‌های قابل تأمل در نظر گرفت. به نظر می‌آید با توجه به نظریات جامعه‌شناسی پیرامون سرمایه اجتماعی (مانند نظریه بوردیو) روابط همسایگی یک زمینه مناسب برای بسط این سرمایه است که به طور خاص در حوزه ازدواج جوانان و تسهیل همسریابی می‌تواند اثربخش باشد. اما به نظر می‌رسد که با توسعه شهرها و افزایش بیگانگی شهروندان با یکدیگر در شهرهای بزرگ، سودمندی این منبع رو به کاهش است و باید برای جبران آن راه‌کارهایی اندیشیده شود. همگرایی در امر اداره



مجلات و استفاده بیشتر از ظرفیت‌های محلی برای اداره امور شهری را می‌توان به عنوان یکی از این راه‌های قابل تأمل در نظر می‌رسد این نوع همگرایی‌ها در بین همسایگان به افزایش ارتباطات اجتماعی شهروندان در محله‌ها و مجتمع‌های مسکونی خواهد انجامید.

آمارهای زنان هرگز ازدواج نکرده طبق سرشماری ۱۳۹۰ نکات قابل تأملی را پیرامون ازدواج دختران گوشزد می‌سازد. با در نظر گرفتن سنین ۳۰ سال به بالا به عنوان سن تأخیر برای ازدواج دختران، آمارها نشان می‌دهد که در همه شهرهای مورد مطالعه درصد قابل توجهی از دختران با تأخیر در ازدواج روبرو هستند. بخشی از این آمارها تفاوت شهرهای مختلف با یکدیگر را نشان می‌دهد که در رابطه با ارتباطات همسایگی می‌توان آنها را تفسیر نمود. گرچه این تفسیر نمی‌تواند کاملاً یک دست و شفاف باشد، اما نکاتی را می‌توان از آنها استنباط کرد. مثلاً درصد زنان هرگز ازدواج نکرده بین سنین ۳۰ تا ۴۵ سال در شیراز و (همچنین لار) بیشتر از سه شهرستان دیگر بود. این نشان می‌دهد که دختران در این دو شهر ضمن اینکه شانس کمتری برای ازدواج دارند، همچنین در صورت ازدواج با تأخیر وارد مرحله فرزندآوری می‌شوند. یکی از عامل‌های این تأخیر ناشناخته ماندن افراد فرض شد که بعضی نتایج آن را تأیید می‌کند. چنانکه رابطه میزان آشنایی همسایگان با درصد زنان هرگز ازدواج نکرده در تمام سطوح سنی منفی و معنادار بود. علاوه بر این شاهد دیگر میزان بیشتر انتخاب همسر از بین همسایگان در بین شهروندان آباد بود که ارتباطات همسایگی قوی‌تری هم داشتند. متأسفانه تحقیقات دیگری که بتواند ما را در باره درستی یا نادرستی این نتایج کمک کنند در دست نیست.

از دیگر نتایج این پژوهش این بود که ملاک‌های افراد پس از ازدواج سخت‌گیرانه‌تر شده است. هر چند علل این پدیده در محدوده اهداف پژوهش حاضر نبوده است اما به لحاظ نظری می‌توان عوامل مختلفی را در این رابطه مد نظر قرار داد که با به شناخت عوامل مرتبط با ازدواج جوانان کمک می‌کند. از جمله این علل می‌تواند تجربیات افراد در حین زندگی باشد که با گذشت زمان افزایش می‌یابد زیرا افراد از مرحله تصمیم‌گیری بر اساس احساسات در شروع زندگی مشترک به مرحله واقع‌بینی انتقال یافته و نگرش آنان نسبت به ملاک‌های انتخاب همسر تغییر پیدا می‌کند. این تغییر در نگرش زنان و مردان به یک اندازه بوده و تفاوت معناداری بین دو گروه نبود. همچنین از این لحاظ در بین شهرهای مختلف شهرستان لار تفاوت معناداری را با سایرین نشان می‌دهد که هم در زمان ازدواج و هم بعد از ازدواج ملاک‌های سختگیرانه‌تری را داشته‌اند. میزان افزایش نیز در ملاک‌های شهروندان لاری بیشتر از سایر شهرستان‌ها بوده است، اگر چه این تفاوت به لحاظ آماری معنادار نبود اما در مجموع گویای نگرش متفاوت شهروندان در این شهر نسبت به ملاک‌های ازدواج است که می‌تواند ناشی از بافت اجتماعی متفاوت و جنبه‌های اعتقادی باشد.

سختگیرانه‌تر شدن ملاک‌های ازدواج همچنین می‌تواند گویای نوعی تجدیدنظر در ملاک‌های ازدواج تلقی شود. به این معنی که اگر افراد می‌خواستند از تجربه فعلی خود استفاده کنند احتمالاً ملاک‌های سخت‌تری را در انتخاب همسر به کار می‌گرفتند. این موضوع را با توجه به تأثیر تجربه بر زندگی و تصمیم‌گیری‌های افراد هم می‌توان بدیهی دانست، به این معنا که خواه ناخواه افراد با گذشت زمان در ملاک‌های خود تجدیدنظر می‌کنند؛ و هم اینکه نشان از نوعی نارضایتی نسبی از ازدواج بدلیل فراهم نبودن شناخت کامل و دقیق از طرف مقابل در فرایند انتخاب همسر باشد. حالت دوم لزوم فراهم نمودن شرایط برای آشنایی بیشتر در بدو ازدواج را گوشزد می‌نماید.

نتایج این پژوهش در مورد سن مناسب برای ازدواج با نتایج پژوهش‌های قبلی مطابقت دارد. چنانکه قبلاً اشاره شده طبق نتایج تحقیق عسکری ندوشن و همکاران (۱۳۸۸) که دیدگاه‌های دو نسل متوالی را پیرامون سن مناسب برای ازدواج بررسی کردند، هر دو نسل با اندکی اختلاف، سن حدود ۲۶ سالگی را برای ازدواج مردان و سن ۲۲/۱ سال (توسط مادران) یا ۲۳/۲ سال (توسط دختران) را برای ازدواج زنان مناسب دانستند که نشان می‌دهد دختران خودشان سن بالاتری را منظور می‌کنند. در این پژوهش نیز رقم‌های مشابهی برای سن مناسب ازدواج زنان و مردان از سوی پاسخ‌گویان ابراز شده است. با این وجود مشخص نیست که افراد مناسب بودن این سنین را به لحاظ شرایط موجود در نظر گرفته‌اند یا این سنین را ایده‌آل می‌دانند. مسلماً به لحاظ فرهنگی و فیزیولوژیکی توصیه به ازدواج در سنین پایین‌تر بخصوص در مورد سن مردان است. به هر حال این موضوع می‌تواند از سوی محققان دیگر در آینده مورد توجه قرار گیرد

همچنین طبق سرشماری سال ۱۳۷۵ کل کشور، متوسط سن ازدواج مردان ۲۵/۶ و متوسط سن ازدواج زنان ۲۲/۴ سال بوده است (امانی، ۱۳۸۰). این واقعیت با آنچه مورد نظر افراد جامعه است تطابق دارد اما به معنای وضعیت ایده‌آلی که آنان می‌خواهند نیست زیرا بر



اساس یافته‌های مرکز آمار ایران، میانگین سن در اولین ازدواج برای مردان از ۲۴/۱ سال در سال ۱۳۵۵ به ۲۶/۷ سال در سال ۱۳۹۰ رسیده و برای زنان از ۱۹/۷ سال به ۲۳/۴ سال طی این دوره افزایش یافته است، و این روند افزایشی برای سال‌های بعد از ۱۳۹۰ نیز ادامه داشته است. بنابراین به نظر می‌رسد افراد خود را با شرایط تطبیق می‌دهند. به عبارت دیگر با توجه به فراهم نبودن امکانات تشکیل زندگی مشترک در سنین پایین‌تر آنان رفته رفته به سنین بالاتر رضایت می‌دهند. نتایج تحقیق صادقی، قدسی و افشار کهن (۱۳۸۶) نیز در همین راستا بوده و گویای آن است که جوانان داشتن شغل و برخورداری مالی را اصلی‌ترین پیش‌شرط ازدواج می‌دانند.

منابع

- آزادارمکی تقی (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی خانواده ایرانی، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- اردلان علی، سیدان فریبا، و ذوالفقاری مصطفی (۱۳۸۵). فرار زنان همسر دار از منزل: بررسی عوامل مؤثر اجتماعی روانی. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۲۱، ص. ۲۰۴-۱۸۵.
- اسماعیلی رضا، قاسمی وحید، فخاری سهیلا (۱۳۸۸). مطالعه کمی و کیفی نقش مهاجرین کاری بر تنوع همسرگزینی شهر مبارکه؛ علوم اجتماعی، ۳(۷): ۶۵-۸۶.
- امانی مهدی (۱۳۸۰). نگاهی به چهل سال تحول جمعیت شناختی ازدواج در ایران (از سال ۱۳۳۵-۱۳۷۵)، نامه علوم اجتماعی؛ ۹ (پیاپی ۱۷): ۳۳-۴۶.
- جعفری مؤدبی افشین (۱۳۸۲). عدم تعادل در وضعیت ازدواج در ایران، فصلنامه پژوهش زنان دوره ۱، شماره ۵، ص. ۱۰۴-۸۳.
- رجبی غلامرضا، ابراهیمی نوبندگانی مریم، خجسته‌مهر رضا (۱۳۹۰). مقایسه و رتبه‌بندی ترجیحات همسرگزینی در بین گروهی از دانشجویان دختر و پسر و دانشجویان کرد، عرب و بختیاری دانشگاه شهید چمران اهواز، روان‌شناسی بالینی و شخصیت (دانشور رفتار)، ۳(۴): ۶۱-۷۴.
- رفاهی ژاله، ثنایی ذاکر باقر، شفیع آبادی عبدالله، شریفی حسن پاشا (۱۳۸۹). بررسی مقایسه ای ملاک‌های همسرگزینی در زنان و مردان شیرازی در دو موقعیت هنگام ازدواج و اکنون. پژوهش‌های مشاوره (تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره): دوره ۹، شماره ۳۳، ص. ۳۱-۷.
- ساروخانی باقر، مقربیان مریم (۱۳۹۰). تجددگرایی و همسرگزینی تحقیقی مقایسه ای در بین زنان مناطق و ۱۱ شهر تهران. مطالعات فرهنگ - ارتباطات شماره ۱۲(۱۵) (مسلسل ۴۷): ۴۳-۷۵.
- صادقی رسول، قدسی علیم محمد و افشار کهن جواد (۱۳۸۶). واگوی مسأله ازدواج و اعتبارسنجی یک راه‌حل. پژوهش زنان، دوره ۵، شماره ۱، ۱۰۸-۸۳.
- صدیق سروسناتی رحمت‌الله و نیمروزی نوروز (۱۳۸۸). بررسی ارتباط بین مشارکت در روابط همسایگی و احساس امنیت در محلات شهر مشهد. فصلنامه دانش انتظامی، سال دوازدهم، شماره دوم، ص. ۲۰۰-۱۸۶.
- علیایی زند شهین (۱۳۸۱). ازدواج نامناسب بستری زمینه ساز برای روسپیگری، رفاه اجتماعی پاییز ۱۳۸۱؛ ۲(۵): ۱۱۹-۱۴۳.
- عسکری ندوشن عباس، عباسی شوازی محمدجلال، صادقی رسول (۱۳۸۸). مادران، دختران و ازدواج (تفاوت‌های نسلی در ایده‌ها و نگرش‌های ازدواج در شهر یزد). مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)، دوره ۱۱، شماره ۴۴ (مسایل دختران)؛ ص. ۳۶-۷.
- قاسمی تودشکچویی غلامرضا، معتمدی مسعود، اسدالهی قربانعلی و مالک (۱۳۸۴). بررسی مقایسه‌ای ملاک‌های انتخاب همسر داوطلبان ازدواج در بدو ازدواج و یک سال بعد از ازدواج. فصلنامه تحقیقات علوم رفتاری، دوره ۳، شماره ۱، ص. ۶۷-۷۴.
- کاوایانی‌راد مراد، ویسی هادی (۱۳۸۷). بررسی تأثیر همسایگی بر انتخابات ایران مطالعه موردی: دور نخست نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران. فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره سوم، ص. ۲۰-۱.



- منادی مرتضی (۱۳۸۶). اوقات فراغت و چالش‌های جهانی شدن: مقایسه دو نسل. مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۳ (۸)، ص. ۱۶۵-۱۳۱.
- موحد و عباسی شوازی (۱۳۸۵). بررسی رابطه‌ی جامعه‌پذیری و نگرش دختران به ارزش‌ها سنتی و مدرن در زمینه روابط بین‌شخصی دو جنس پیش از ازدواج. مآلات زنان، سال ۴ شماره ۱، ص. ۶۷-۹۹.
- موون جان سی و مینور میشل اس (۱۳۸۶) رفتار مصرف کننده، عوامل بیرونی و درونی، ترجمه: عباس صالح اردستانی و محمدرضا سعدی، تهران: انتشارات اتحاد.
- نوغانی محسن، صدیق اورعی علیرضا و سالار غلی (۱۳۹۲). شبکه اجتماعی همسرگزینی و تأثیر آن بر رضایت از زندگی زناشویی در بین مردان متأهل. جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و چهار، شماره پیاپی (۴۹). ص. ۱۷-۳۶.
- یوسفی علی، نوغانی محسن و حجازی مهلا (۱۳۸۸). انسجام در شبکه‌های همسایگی شهر مشهد. مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره دهم، شماره ۱، ص. ۱۳۸-۱۶۱.

- Belot M. & Francesconi M. (۲۰۰۶). Can Anyone be "The" One? Evidence on Mate Selection from Speed Dating. Available Online at: <https://www.essex.ac.uk/economics/discussion-papers/papers-text/dp۶۲۰.pdf>.
- Bozon, Michel, and Francois Heran. (۱۹۸۹). "Finding a Spouse: A Survey of How French Couples Meet." *Population* ۴۴:۹۱-۲۱۲.
- Buss, D. M. & Angleitner, A. (۱۹۸۹). Mate selection preferences in Germany and the United States. *Personality & individual differences*. Vol. ۱۰, No. II. pp. ۱۲۶۹-۱۲۸۰.
- Katz, James E. (۱۹۹۷). "The Social Side of Information Networking." *Society* ۳۴:۹-۱۲.
- Kalmijn, Matthijs, and Henk Flap. (۲۰۰۱). "Assortative Meeting and Mating: Unintended Consequences of Organized Settings for Partner Choices." *Social Forces* ۷۹:۱۲۸۹-۱۳۱۲.
- Nie, Norman, and D. Sunshine Hillygus. (۲۰۰۲). "The Impact of Internet Use on Sociability: Time-Diary Findings." *IT & Society* ۱:۱-۲۰.
- Rosenfeld, M. J. and Thomas R. J. (۲۰۱۲). Searching for a Mate: The Rise of the Internet as a Social Intermediary. *American Sociological Review* ۷۷(۴): ۵۲۳-۵۴۷.
- Sprecher, S. , Sullivan, Q. & Hatfield, E. (۱۹۹۴). Mate selection preferences: Gender differences examined in a national sample. *Journal of personality and social psychology*, vol. ۶۶ (۱), p. ۱۰۷۴-۱۰۸۰.
- Wiedeman, M. W. & Allgeier, E. R. (۱۹۹۲). Gender differences in mate selection criteria: Sociobiological or socioeconomic explanation. *Ethology and Sociobiology*, vol. ۱۳, p. ۱۱۵-۱۲۴.